

قافیه و صنعت مطابقه

دکتر علی حسین رازانی^{*}



چکیده

این مقاله به هنرهای پنهانی قافیه پرداخته است و صنعت «مطابقه» یا «ردّ الصدر علی العجز» را که به کمک قافیه ساخته می‌شود، مورد نقد و بررسی قرار داده و برای یافتن نمونه‌های تازه‌ای از این صنعت، قافیه‌های قصاید چهار شاعر بزرگ و حکیم فرزانه: کسائی، ناصر خسرو، سنائی و خاقانی را در نظر گرفته و در نهایت معلوم گردیده که صنعت «مطابقه» بسیار متنوع تر و گسترده تر از نمونه‌هایی است که علمای بلاغت از گذشته تا امروز مطرح کرده‌اند.

واژگان کلیدی: قافیه، مطابقه، نقد و علمای بلاغت

۱ - عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود

* Email: dr_razani@yahoo.com , razani@iau.dorud.com

مقدمه

به شیوه‌ی مقالات علمی و پژوهشی مقدمه‌ی این مقاله را با «بیان مسئله»، «اهمیت مطالعاتی»، «پیشینه‌ی تحقیق» و «روش تحقیق» آغاز می‌نمائیم. پس از آن به «ارائه‌ی داده‌ها» می‌پردازیم و سرانجام «نتیجه‌گیری» مقاله تقدیم می‌گردد.

بیان مسئله

بیشتر بزرگان علم ادب و شعر و بلاغت در گذشته‌ی آنگونه که شایسته و بایسته قافیه شعر فارسی است به آن نپرداخته‌اند و همواره قافیه را به عنوان شاخه‌ی ای از علم عروض و با اصول زبان‌شناسی بررسی کرده‌اند. درست است که در قافیه‌سازی باید اصول زبان‌شناسی را رعایت کرد، اما فلسفه‌ی وجودی قافیه در شعر تنها سلامتی و هماهنگی هجای قافیه، روی، حرکات و حروف قافیه نیست. آنچه قافیه را از حدّ زبانی بالاتر می‌برد و به آن معنا و زیبایی ادبی و هنری می‌بخشد، صنایع لفظی و معنوی آن است. صنایعی که قافیه در ایجاد آنها نقش اساسی دارد. ما به مجموعه‌ی این زیباییها «بلاغت قافیه» و به چنین قافیه‌ای که ارزش زیبا شناسی دارد «قافیه‌ی بلاغی» می‌گوییم.

امروز نیز تاثیر بلاغی قافیه در علم سبک شناسی و نقد ادبی جایگاه خود را نیافته است. زیرا دیدگاه خود را دربار آن اصلاح نکرده‌ایم. و همواره قافیه را کلمه‌ای شناخته‌ایم که در پایان بیت می‌آید و شاعر ناگزیر به رعایت آن است. تمامی تعریف‌هایی که از قافیه موجود است، تعریف زبانی قافیه است. برای نمونه صاحب المعجم می‌گوید: «اما قافیت، بدانکه قافیت بعضی از کلمه‌ی آخرین بیت باشد به شرط آنکه آن کلمه بعینها و معناها در آخر ابیات دیگر متکرر نشود. پس اگر متکرر شود آن را ردیف خوانند و قافیت در ماقبل آن باشد.» (رازی شمس الدین، المعجم،

پیشینه‌ی تحقیق:

هنوز پژوهشی جامع در کشف هنرهای قافیه و قافیه پردازی انجام نگرفته، تا به ما ثابت کند که قافیه تا چه میزان می‌تواند سرچشمه‌ی زیباییهای ادبی باشد. ناشناخته ماندن «قافیه» بحدی است که حتی در تعریف صنایع بدیع و بیانی که «قافیه» در شکل‌گیری آن نقش اصلی به عهده دارد، نامی از قافیه برده نشده. تنها در بخشهایی از کتاب استاد نکته سنج و نکته بین زبان و ادبیات فارسی «دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی» با عنوان «موسیقی شعر» به «هنر قافیه پردازی» اشاراتی شده و استاد در مقدمه‌ی این کتاب می‌نویسد: «اگر به کتابهای فارسی و عربی که درباره‌ی علم شعر و قافیه نوشته‌اند رجوع کنیم؛ می‌بینیم که درباره‌ی هنر اصلی قافیه کمترین توجهی نکرده‌اند. تنها درباره‌ی الف تاسیس و دخیل و ردف و وصل و قید و مزید و خروج و نایره بحث‌ها کرده‌اند. آیا نمی‌توان درباره قافیه به صورت دیگری اندیشید؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۶۱).

روش تحقیق

در این مقاله با توجه به ضرورت موجود، برای نشان دادن گوشه‌ای از هنرهای قافیه، صنعت «مطابقه» یا «ردّ العجز علی الصدر»، مورد نقد و بررسی قرار گرفته. برای این کار منابع معتبر بلاغی (از گذشته تا امروز) با یکدیگر مقایسه و مباحث و نظرات و نمونه‌های آنها تحلیل گردیده. و پرسشهای فراوانی مطرح گردیده است. از جمله: چرا این صنعت نام‌ها و انواع متعددی دارد؟ و معلوم نیست چرا در گذشته فقط جناسهای تام و اشتقاق را سازنده‌ی این صنعت دانسته‌اند؟ در صورتی که در ساختن این صنعت جناس‌های دیگر مانند: جناس زائد و جناس اختلاف مصوت هم کاربرد بسیار زیادی دارد. پرسشهای دیگری نیز مطرح شده است از جمله: آیا مطابقه فقط با یک کلمه ساخته می‌شود؟ و یا آیا ردیف در ساخته شدن مطابقه نقشی ندارد؟

از انواع «موازنه» می‌باشد و نباید آن را با ردّ العجز علی الصدر اشتباه گرفت. به نظر می‌رسد، در دوره‌های بعد علمای بلاغت، به دلیل جلوگیری از همین اشتباهات که در تشابه اسمی ایجاد گردیده، نام این صنعت را «ردّ العجز الی الصدر» یا «ردّ الصدر علی العجز» نهادند. بگونه‌ای که سالها بعد، رشید الدین وطواط در کتاب «حدائق السحر» عنوان آن را «ردّ العجز علی الصدر» گذاشته. در دوره‌های بعد در خصوص «ردّ العجز علی الصدر» و «ردّ الصدر الی العجز» اختلافات زیادی بروز کرد و ریشه‌ی این اختلافات از نامگذاری شمس قیس رازی آغاز شد. زیرا او در کتاب «المعجم» تنها کسی است که نام این صنعت را «ردّ الصدر الی العجز» گذاشته و این صنعت را در ضمن صنعت «جناس تام» مطرح کرده و می‌نویسد:

به یمین تو چرخ داده یسار به یسار تو مملک خورده یمین

و درین بیت صنعتی دیگر هست کی آنرا ردّ الصّدْر الی العجز خوانند.» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰: ۳۳۸) استاد علامه همایی در این باره می‌گوید: «صاحب المعجم این دو صنعت را درست بر خلاف و عکس چیزی گفته که مورد اتفاق همه علما و مؤلفان بدیع عربی و فارسی است و معلوم نیست این اشتباه از خود اوست یا اصطلاحی مخصوص بوده که جز در کتاب المعجم هیچ کجا دیده نمی‌شود.» (همایی، ۱۳۶۸: ۷۱).

دکتر کزازی نیز عقیده دارد که «ردّ العجز علی الصدر» پذیرفتنی تر و منطقی تر است. زیرا دانشهای زیباشناسی سخن و از آن میان بدیع، دانشهای سخن سنجی است، نه دانشهای سخنوری. «از این رو، از دید سخندان و سخن سنج می‌باید به ترفندها و آرایه‌های شاعرانه نگریم، نه از دید سخنور. سخن سنج زمانی بدین آرایه در بیت باز می‌خورد و از آن یاد می‌آورد که به «بُن» بیت (=عجز) رسیده باشد.

قدم باید اندر طریقت نه دم که نوری ندارد دم بی قدم
(طیبیان، ۱۳۸۹: ۴۶۸)

و در نمونه‌ی دوم دو کلمه با یکدیگر «جناس تام» دارند، یعنی شکل یکدیگرند
ولی معنایشان متفاوت است:

روی جانان طلبی؟ آیینه را قابل ساز ورنه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی
(همان، ۴۷۰)

و در نمونه‌ی سوم دو کلمه جناس تام دارند ولی کلمه اول در حشو (وسط) مصراع
بیاید:

هست بیرون از شمارم درد دل وین شب تنه‌هایم روز شمار
(همان، ۴۷۰)

و در نمونه‌ی چهارم که دو کلمه با یکدیگر جناس اشتقاق دارند. یعنی از یک ریشه
مشتق شده باشند:

بیازردی مرا بی هیچ صحبت ز من هرگز تو را نابوده آزار
(همان، ۴۷۲)

و در نمونه پنجم که مانند قبلی است با این تفاوت که کلمه اول در حشو مصراع
آمده:

پیش که صبح بردرد شقه‌ی چتر عنبری خیز، مگر به رنگ می‌پردی صبح بر دری
(همان، ۴۷۳)

در نمونه‌ی ششم دو کلمه با یکدیگر جناس «شبه اشتقاق» دارند. یعنی از یک ریشه
مشتق نشده باشند:

رخساره‌ی تابنده چو از پرده نمود یک باره ببرد از دل من طاقت و تاب
(همان، ۴۷۳)

پس از رادویانی، «رشید الدین و طواط» در کتاب «حدائق السحر» در تقسیم انواع مطابقه، مانند استادش عمل کرده. یعنی موقعیت کلمه‌ی اول را در صدر یا حشو مصراع اول و کلمه دوم را در عجز بیت می‌داند. اما علمای بلاغت در دوره‌های بعد، جایگاه قرار گرفتن کلمه‌ی اول را محدود به صدر یا حشو مصراع اول نمی‌دانند و از جمله محمد خلیل رجائی در کتاب «معالم البلاغه» در تعریف این صنعت می‌نویسد: «اما در نظم عبارت از این است که یکی از دو لفظ سابق الذکر در عجز یعنی آخر بیت ذکر شده باشد و لفظ دیگر در «صدر» یا در «حشو» مصراع اول یا در «عروض» (انتهای مصراع اول) یا در «ابتدا» (ابتدای مصراع دوم) واقع شده باشد» (رجائی، ۱۳۷۹: ۴۰۷).

بدین ترتیب «ابتدا»ی مصراع دوم را به محل وقوع این صنعت افزوده و تنوع آن را بیشتر نموده و بر اساس آنکه کلمه عیناً تکرار شود و یا با عجز بیت صنعت جناس تام یا اشتقاق یا شبه اشتقاق داشته باشد. این صنعت را به ۱۶ نوع تقسیم نموده است. این تقسیم بندی، از متنوع‌ترین نوع تقسیم بندی صنعت «مطابقه» یا همان «رد العجز علی الصدر» بوده است.

دکتر کزازی نیز می‌گوید: «بُسنری (رد العجز علی الصدر) را گونه‌هایی است؛ رشید و طواط شش گونه برای آن بر شمرده است؛ ملامحسن کاشفی هشت گونه؛ و نجفقلی میرزا شانزده گونه، ما آنچه را بیشتر کاربرد دارد در پی، یاد می‌کنیم» (کزازی، ۱۳۸۵: ۶۹).

سپس همان نمونه‌های سنتی را بکار برده. نکته‌ی قابل توجه آنست که بعضی از نمونه‌های تازه نه تنها کم کاربرد نیستند و در ادامه‌ی مقاله خواهیم دید که بسیار پرکاربردتر از نمونه‌های پیشین هستند.

داستان «قافیه» و صنعت «مطابقه» با همین تقسیم بندی تمام نمی‌شود. و نویسنده در این مقاله که از طرح پژوهشی با عنوان «سیر تحول قافیه در قصاید کسائی، ناصر خسرو، سنائی و خاقانی» استخراج گردیده؛ سعی کرده، نمونه‌های تازه و جلوه‌های

نویسی از این صنعت تقدیم حضور خوانندگان نماید. به همین منظور قافیه‌های قصاید چهار شاعر بزرگ قصیده سُرّا که بیش از ۲۶ هزار قافیه می‌باشد، مورد پژوهش قرار داده، و شکل‌های تازه‌ای از مطابقه که پیش از این به آن توجه نشده.

الف) مطابقه و جناس‌های دیگر

شاید پرسیده شود که اصولاً تفاوت بین مطابقه و جناس چیست؟ باید دانست که هر نوع جناس، بشرطی جزئی از صنعت مطابقه قرار خواهد گرفت که یکی از آنها در عجز و دیگری در صدر یا حشو یا ابتدای بیت قرار بگیرد. اینک نمونه‌های تازه‌ی مطابقه:

۱- مطابقه با جناس زائد

گاهی کلمه‌ای که در صدر یا حشو یا ابتدای بیت قرار می‌گیرد با قافیه «جناس زائد» می‌سازد و چنین مطابقه‌ای یکی از پرکاربردترین نوع مطابقه در قصاید فارسی است. زیرا تعداد کلماتی که نسبت به یکدیگر یک یا دو حرف بیشتر یا کمتر داشته باشند فراوان است. و بر اساس جایگاه قرار گرفتن کلمه اول نسبت به قافیه، نمونه‌های گوناگونی از آن ساخته شده است. که با استناد به اشعار چهار شاعر برگزیده ارائه می‌گردد. در نمونه اول کلمه‌ای که جناس زائد می‌سازد در صدر بیت آمده.

آن کبک مرقع سلب بر چده دامن از غالیه غل ساخته از بهر نشان را

(سنایی، ۱۳۷۵: ۴۴)

گر من اسیر مال شوم همچو این و آن اندر شکم چه باید زهر جگر مرا

(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۶)

و در نمونه‌های دیگر کلمه‌ای که جناس زائد می‌سازد در حشو یا عروض یا ابتدا

۳- مطابقه و جناس لفظی

اگر دو کلمه از نظر لفظی شبیه یکدیگر باشند ولی از نظر املایی تفاوت داشته باشند «جناس لفظی» ساخته می‌شود. اما اگر این دو کلمه در محل صنعت مطابقه قرار گیرد، مطابقه‌های نو می‌سازد. مانند:

خوان گیتی همه قحط کرم است حضرّم از خوان خضر خان چکنم

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۵۲)

ماه رویا! به سر خویش، تو آن خیش مبند نشنیدی که کند ماه تبه جامه‌ی خیش

(کسایی، ۱۳۷۳: ۸۳)

۴- مطابقه و جناس مرکب

نمونه‌ی دیگر مطابقه زمانی ساخته می‌شود که دو کلمه‌ی «جناس مرکب» داشته باشند. مانند:

آن همه یک دو سه دیر غم دان نه سدیرست و نه غمدان چکنم

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۲۵۴)

گوئی که نگون کردست ایوان فلک وش را حکم فلک گردان یا حکم فلک، گردان

(خاقانی، ۱۳۷۴: ۳۵۸)

در نمونه زیر کلمه‌ی «زین» مخفف (از این) با کلمه «زین» در مصراع دوم، جناس مرکب می‌سازد:

زین دیو نکال اگر ستوهی بر مرکب دیسنت برفکن زین

(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۳۱۲)

تاکی خوری دریغ ز بُرنایی زین چاه آرزو ز چه بَرْنایی

(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۴۰۰)

خود جناس خط دارد. مانند:

ای دل و هوش و خرد داده به شیطان رجیم
روی بر تافته از رحمت رحمان رحیم

(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۳۰۰)

ای رحیم از تست قوّت بر حذر ممر مرا از مکر شیطان رجیم
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۲۸۴)

بدین ترتیب آشکار می‌شود که تقسیم بندی صنعت مطابقه یا تصدیر توسط گذشتگان، از نقایصی خالی نیست و اگر به قول گذشتگان در ساخته شدن انواع "مطابقه" تنها جناس تام، اشتقاق و شبه اشتقاق مؤثر است، نمونه‌های دیگر از مطابقه وجود دارد که با جناسهای دیگر مانند: جناس زائد، جناس قلب، جناس لفظی، جناس مرکب و جناس اختلاف مصوّت ساخته می‌شود و کاربرد آن کم نیست.

ب) شکلهای دیگر صنعت مطابقه

با پژوهش به عمل آمده، معلوم گردید که شعرای قصیده پرداز، نه تنها در نوع جناس بلکه در شکل و ساختار صنعت مطابقه نیز به ابتکارات و نوآوری‌هایی دست زده‌اند. که در تعاریف رسمی علمای بلاغت نیامده است. از جمله:

۱- مطابقه‌ی دو کلمه ای

در کتابهای بدیع، صنعت مطابقه را در یک لفظ و یک کلمه محدود کرده‌اند. برای نمونه در کتاب «حقایق الحدائق» در تعریف قسم دوم مطابقه می‌گوید: «آنست که: لفظی در صدر آورد و در عجز نیز بیاورد» (رامی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۳). همچنین در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی می‌نویسد: «لفظی که در اوّل بیت و جمله نثر آمده

شعار و دثارم ز دینست و علم همین بُد شعار و دثار علی
(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۴۷۹)

گر نخواهید که ایوان و حجر گرید خون نقش نو شاد به ایوان و حجر باز دهید
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۵)

۲- مطابقه با بیش از دو کلمه

بندرت اتفاق می‌افتد که شاعر سه کلمه را در صنعت مطابقه دخالت می‌دهد.
چنانکه حکیم ناصرخسرو می‌گوید:

روز و مه و سالش نکند پست ازیراک پاینده بدو پست شده روز و مه و سال
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۲۴۵)

و خاقانی در قصیده‌ی معروف خود که با ردیف «ری» سروده، از سه کلمه بهره
می‌گیرد و می‌گوید:

آن را که تن به آب و هوای ری آوردند دل آب و جان هوا شد از آب و هوای ری
(خاقانی، ۱۳۷۴: ۴۴۴)

۳- مطابقه با قافیه و ردیف

گاه شاعر قافیه و ردیف را بدون جا به جایی تکرار می‌کند و این نوع از مطابقه نیز
تازگی دارد، چنانکه شاعر در قصیده‌ای با ردیف «را» می‌گوید:

جهان را به آهن نشایدش بستن به زنجیر حکمت ببند این جهان را
(ناصرخسرو، ۱۳۶۷: ۴)

جان می‌برم که تیغ اجل در قفای ری

(خاقانی، ۱۳۷۳: ۴۴۴)

و حکیم کسایی با ردیفِ زیبای «گل» صنعتِ مطابقه ساخته است:

گل نعمتی است، هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریم تر شود اندر نعیم گل

ای گلفروش، گل چه فروشی برای سیم

وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل

(کسایی، ۱۳۷۳: ۸۷)

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، معلوم گردیده که وسعت اطلاعات ما درباره‌ی «هنر قافیه پردازی» بسیار محدود و ناکافی است. به همین دلیل نویسنده، تعریف‌ها و نمونه‌های صنعت «مطابقه» را از گذشته تا امروز با یکدیگر مقایسه نموده و اثبات نموده که آنچه تا به حال درباره‌ی صنعتِ مطابقه گفته‌اند، دربر گیرنده‌ی همه‌ی زیبایی‌ها و ابعاد هنری و ادبی این صنعت نیست. و هنوز ارزش بلاغی قافیه‌ی شعر فارسی بویژه در صنعت «مطابقه» ناشناخته مانده است.

اختلاف نظر درباره‌ی صنعت مطابقه نه تنها در عنوان بلکه در تعریف صنعت و در تقسیم بندی و انواع آن نیز، وجود دارد و نمی‌توان بدون پژوهش و مقایسه و مقابله‌ی آنها با نمونه‌های اشعار بزرگان، محاسن و معایب و حتی تناقضات آنها را دریافت. برای نمونه شکل‌های تازه‌ای از صنعت مطابقه که بوسیله‌ی جناس ساخته می‌گردد و کاربرد فراوانی دارد، معرفی گردیده که پیش از این از دید دیگران بدور مانده. مطابقه‌های دو تایی یا سه تایی و چند نقطه‌ای از ابتکارات دیگر شعرا در این صنعت است. همچنین دیدگاه‌های تازه‌ای در خصوص تاثیر ردیف و قافیه در ساخت انواع

صنعت مطابقه ذکر شده و همه‌ی نمونه‌ها این مقاله از قصاید بزرگان ادب، انتخاب گردیده است.

نویسنده امیدوار است که به توصیه‌ی استادِ فرزانه دکتر شفیعی کدکنی، جامه‌ی عمل پوشانده باشد و «به گونه‌ای دیگر به قافیه نگریسته باشد» و این مقاله زمینه‌ای برای بازتاب بیشتر و بهتر «هنر قافیه پردازی» و تأثیر آن بر صنایع ادبی فراهم کرده باشد.

ششم. تهران: انتشارات علمی.

۱۵- ناصر خسرو، ابومعین. (۱۳۶۷). دیوان اشعار. به تصحیح مجتبی مینوی. نوبت دوم.

تهران: انتشارات دنیای کتاب.

۱۶- وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۸۳). بدیع از دیدگاه زیبا شناسی. نوبت اول.

تهران: انتشارات سمت.

۱۷- وطواط، رشید الدین. (۱۳۶۲). حدایق السحر فی دقایق الشعر. به تصحیح عباس

اقبال. تهران: انتشارات سنائی و طهوری.

۱۸- همائی، جلال الدین. (۱۳۶۸). فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشر هما.